



109 40 K

۱۰۱۶۶۵

۲۱۶۱۸۰۷۶۲۵
۸۴۲۲۱۲۶۰۱۳

دانشگاه علامه طباطبائی
داشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی

عنوان

بررسی سیاستهای اجتماعی و خدمات مددکاری اجتماعی در سازمانهای مردم نهاد (NGOs)
کودکان در وضعیت دشوار: مطالعه موردی سازمانهای غیر دولتی کودکان کار و خیابان در شهر
تهران

۱۳۸۸ / ۲ / ۸

کتابخانه اساتید ارشد
فصلی

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر اللهیاری
استاد مشاور: جناب آقای دکتر حاج یوسفی
استاد داور: جناب آقای دکتر حسینی

رأی مشور: سحر محمدزاده ساری

زمستان ۱۳۸۷

۱۰۹۴۵۴

تقدیر و تشکر

"پروردگارا شاکرترین بندگانت از شکر تو ناتوان است."

(امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، دعای ۳۷)

شکر هر نعمتی ممکن است جز شکر نعمات خدای تعالی، زیرا شکر نعمت خداوند نعمت دیگری است از او که شکر آن بر بنده واجب می‌گردد. بنابراین نهایت شکر نعمات خداوند، اقرار به عجز و ناتوانی از ادای شکر اوست.

سپاس بیکران به درگاه حضرت احدیت که مبداء فیض مطلق است و از ذات اقدسش جز خیر مطلق صادر نمی‌شود، او که ولی نعمت همه هستی است و همه هستی نعمت اوست و این همه نعمات را برای انسان آفرید تا هدایت یافته و بندگی او را گردن نهد. خداوندی که نعمت آموختن را ارزانی آدمی نمود تا شاید با بهره‌گیری از علم، صراط مستقیم پیش گیرد و رستگار شود.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم قدردانی کنم از؛

استاد محترم سرکار خانم "دکتر اللهیاری" به پاس زحمات بی دریغ ایشان و اینکه همواره با مشغله فراوان، مرا به گرمی پذیرا بودند و اگر راهنماییها و حمایتهای علمی و عاطفی ایشان نبود چه بسا پژوهش حاضر فاقد "روح علمی" لازم می‌بود.

و استاد محترم جناب آقای دکتر "حاج یوسفی" که هیچگاه از مشاوره و تشویقهای خود بی نصیب نگذاشتند و مرا در مسیر خود آگاهی و خودشکوفایی رهنمون گشتند.

و نیز از استاد گرانقدر جناب آقای "دکتر حسینی" که با حمایتهای معنوی ایشان خود را مصمم تر و ملزم تر به ادامه "طریق مددکاری اجتماعی" یافتم و همواره با مرور بیانات نیروبخش ایشان انگیزه ام برای ادامه راه قوی تر و راسخ تر می‌گردید.

با سپاس بی پایان از خانواده عزیزم

و با تشکر ویژه از حامی همیشه مهربانم؛ خواهرم نسیم

و با تشکر از دوستان خوبم؛

خانم‌ها؛ آزاده زمانی و سارا نصراله‌هیان مجرد

آقایان؛ مجتبی حکم آبادی، جاوید سبحانی و علی اصغر راز

و هم‌ی‌یارانی که در طی این تحقیق، مرا از راهنمایی و محبت بی دریغشان بهره‌مند نمودند.

و با سپاس فراوان از

مسئولین مجرب سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با کودکان در وضعیت دشوار و کار و خیابان،

شبکه یاری کودکان کار و خیابان و موسسه تاک سرزمین من و دیگر عزیزانی که مرا در این

مسیر یاری کردند.

تقدیم به پدر بزرگوار و مادر عزیزم

به پاس تعبیر عظیم و انسانیشان از گستره محبت و عشق ،
به پاس عاطفه سرشارشان که چون شب چراغی می درخشد و زنگار تنهایی از روح می زداید،
به پاس قلبهای بزرگی که دریای بی کران معرفتند و آسمان منور فرزاندگی ،
و به پاس اندیشه و درایتشان .

چکیده

سیاستهای اجتماعی در مورد کودکان و به ویژه مداخلات مددکاری اجتماعی در مورد کودکان نیازمند، آسیب پذیر و آسیب دیده، مجموعه تحولاتی است که در روابط خانواده، دولت و نهادهای اجتماعی و جایگاه و حقوق کودکان در خانواده و جامعه به وقوع پیوسته است .

با توجه به روند و سمت و سوی کلی سیاست های اجتماعی در جهان و الگوهای کنونی رفاه و خدمات اجتماعی که بر مشارکت مردم، سازمان های مردم نهاد و اجتماعات محلی در توسعه اجتماعی و حل آسیب ها و معضلات اجتماعی تأکید دارد و با توجه به اهمیت اثرات و بازخورد عملکرد این سازمان ها در جامعه که بر سرمایه اجتماعی این سازمان ها مؤثر است و مسئله مسئولیت پذیری یا جوابگویی را برجسته می نماید ؛ انجام این گونه مطالعات ارزیابی ضروری بوده و می تواند در شناسایی مسائل، نقاط ضعف و قوت و نیازمندی های این سازمان ها در اجرای سیاست های اجتماعی و بهبود عملکرد هایشان مؤثر واقع شود و میزان کارایی و اثربخشی سیاست های مذکور را برای تصمیم گیرندگان، سیاست گذاران، متخصصین حرفه ای خدمات اجتماعی و همچنین مردم بهتر نمایان سازد .

لذا پژوهشگر با هدف کلی بررسی و ارزیابی عملکردها و خدمات حمایتی سازمان های مردم نهاد حامی کودکان آسیب پذیر و در وضعیت دشوار (با تأکید بر کودکان کار و خیابان) در شهر تهران بر اساس الگوهای علمی مددکاری اجتماعی اقدام به پژوهش حاضر نمود .

در نگارش پژوهش بعد از بیان تاریخچه عنوان پژوهش در ایران و جهان به شرح دقیق کلید واژه های اصلی در بخش مبانی نظری پرداخته شد و بر اساس تمامی مفاهیم، مبانی و چارچوب نظری، الگوی نظری پژوهش تحت عنوان عناصر ساختار برنامه و منطق ارائه شد .

روش اجرای این پژوهش کیفی و از نوع تبیینی - توصیفی است و با روش سرشماری به بررسی سازمان های مردم نهاد فعال در حوزه کودکان در وضعیت دشوار پرداخته شد .

با توجه به استراتژی پژوهش حاضر - تحقیق چند موردی و تجزیه تحلیل آرشیوی - و نیز سابقه پژوهشگر در همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد مدرن، روش‌هایی که برای جمع‌آوری داده‌ها از آن‌ها استفاده شده عبارتند از: مشاهده مشارکتی، مصاحبه نیمه ساختار یافته، تجزیه و تحلیل اسنادی و روش‌های تکمیلی شامل، مصاحبه متمرکز و پرسشنامه .

روش‌های تحلیلی به کار گرفته شده نیز عبارتند از: سازماندهی داده‌ها - طبقه بندی داده‌ها، موضوع‌های اصلی و الگوها- آزمون فرضیه‌ها (پرسش‌ها) با توجه به داده‌ها- جستجو برای توجیه‌های مختلف این داده‌ها- نوشتن و تهیه گزارش .

به منظور ساماندهی داده‌های بدست آمده از سازمان‌های مورد مطالعه، جداول ارزیابی سازمان‌های مردم‌نهاد حامی کودکان در وضعیت دشوار بر اساس الگوی نظری (مدل هودسن و گرنیل تعدیل شده با رهیافت اکولوژیکی) برای هر سازمان ایجاد و تکمیل گردید و سپس بر اساس مقایسه تطبیقی این سازمان‌ها، تفسیر و تبیین اطلاعات و فرضیه‌های حاصل شده از پاسخ به سؤالات و با اتکا به الگوی نظری پژوهش، تیپ‌شناسی طرح‌های کار کودک و ادبیات تحقیق؛ نتایج نهایی پژوهش، پیشنهادات و پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی ارائه شد .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱- فصل اول : کلیات پژوهش
۱	۱-۱- مقدمه
۵	۱-۲- طرح مسئله
۱۲	۱-۳- اهداف تحقیق
۱۲	۱-۳-۱- هدف کلی
۱۲	۱-۳-۲- اهداف اختصاصی
۱۳	۱-۴- سوالات تحقیق
۱۴	۱-۵- ضرورت و اهمیت موضوع
۱۵	۱-۶- فایده پژوهش
۱۵	۱-۷- انگیزه های پژوهش گر
۱۶	۱-۸- کلید واژه ها
۱۷	۲- فصل دوم : ادبیات موضوع
۱۷	۲-۱- مقدمه
۱۷	۲-۲- تاریخچه موضوع در جهان
۲۸	۲-۳- تاریخچه موضوع در ایران
۳۴	۲-۴- مبانی نظری
۳۴	۲-۵- کلیات و مفاهیم و نظریات
۳۵	۲-۵-۱- کودکان کار و خیابان
۴۴	۲-۵-۱-۱- نیازهای کودکان در وضعیت دشوار و کار و خیابان
۵۷	۲-۵-۲- ارزیابی
۷۳	۲-۵-۳- سازمان های مردم نهاد (غیردولتی)
۸۷	۲-۵-۴- سیاستهای اجتماعی
۹۱	۲-۵-۴-۱- تعریف سیاست اجتماعی

۹۴	۲-۵-۴-۲-مراحل سیاست گذاری
۹۸	۲-۵-۵-خدمات مددکاری اجتماعی
۱۲۲	۲-۵-۵-۱-اهداف مددکاری اجتماعی
۱۲۳	۲-۵-۵-۲-نقش مددکار اجتماعی
۱۲۴	۲-۵-۵-۳-انواع مددکاری اجتماعی
۱۲۴	۲-۵-۵-۳-۱-مددکاری فردی
۱۲۵	۲-۵-۵-۳-۲-مددکاری گروهی
۱۲۶	۲-۵-۵-۳-۳-مددکاری جامعه ای
۱۲۷	۲-۵-۵-۳-۳-۱-روشهای مددکاری جامعه ای
۱۳۶	۲-۵-۵-۳-۴-مدیریت رفاه اجتماعی
۱۳۷	۲-۵-۵-۳-۵-کنش یا اقدام اجتماعی
۱۳۷	۲-۵-۵-۳-۶-تحقیقات اجتماعی
۱۳۸	۲-۶-مروری بر پژوهش های انجام شده
۱۳۸	۲-۶-۱-پژوهش های داخلی
۱۵۱	۲-۶-۲-پژوهش های خارجی
۱۵۴	۲-۷-نقش مددکار اجتماعی در پژوهش حاضر
۱۵۵	۲-۸-چارچوب نظری تحقیق
۱۶۷	۲-۹-الگوی نظری پژوهش
۱۷۰	۲-۱۰-تیپ شناسی طرحهای کار کودک
۱۷۳	۳-فصل سوم : روش پژوهش
۱۷۳	۳-۱-مقدمه
۱۷۳	۳-۲-روش شناسی پژوهش
۱۷۷	۳-۳-جمعیت آماری
۱۷۸	۳-۴-روش نمونه گیری و حجم نمونه
۱۷۸	۳-۵-واحد پژوهش
۱۷۸	۳-۶-روش جمع آوری داده ها
۱۸۰	۳-۷-ابزار پژوهش و اعتبار و روایی
۱۸۱	۳-۸-روش تجزیه و تحلیل داده ها

۱ - فصل اول : کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه :

مددکاری اجتماعی به عنوان یک رشته علمی کاربردی و حرفه‌ای، اقدامات علمی و انسانی خود را به ارائه خدمات و مداخلات تخصصی به نیازمندان و گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر معطوف نموده است و همراه با تغییرات اجتماعی و دگرگونی در سیاست‌های اجتماعی کلان جوامع و به ویژه تغییر شرایط و موقعیت گروه‌های نیازمند حمایت و خدمات، رویکردها و اولویت‌های خود را در مورد گروه‌های هدف نیازمند در جامعه متحول ساخته است. اساساً سیاست‌های اجتماعی در مورد کودکان و به ویژه مداخلات مددکاری اجتماعی در مورد کودکان نیازمند، آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده و تمرکز بر آن‌ها، نتیجه مجموعه تحولاتی است که در روابط خانواده، دولت و نهادهای اجتماعی و جایگاه و حقوق کودکان در خانواده و جامعه به وقوع پیوسته است و در این زمینه مسائل و چالش‌های زیادی وجود دارد از جمله چالش‌های قانونی و حقوقی در زمینه حقوق کودک، مسئولیت‌ها و تکالیف خانواده و دولت و نهادهای عمومی درباره کودکان، مرزهای قانونی دولت و خانواده و میزان مداخلات دولت و نهادهای مددکاری اجتماعی در خانواده و شیوه‌های حمایت و مداخلات آن‌ها در مورد کودکان و ... (Social Work and child Abuse 1926 : p14)

در مجموع در دوره اخیر مجموعه‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی موجب شده است کودکان و نوجوانان، بویژه کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر و در وضعیت دشوار بعنوان یک گروه اجتماعی خاص و نیازمند خدمات و حمایت‌های ویژه مورد توجه متولیان سیاست‌ها و خدمات مددکاری اجتماعی قرار گیرند به گونه‌ای که امروزه «سیاست‌های حمایت از کودکان» و «سیاست‌های مراقبت از کودکان» بعنوان بخش ویژه‌ای از سیاست‌های اجتماعی جوامع مندرج است.

عامل نخست در این زمینه، افزایش سریع و قابل ملاحظه نسبت جمعیت کودکان و نوجوانان در کل جمعیت جهان بویژه در کشورهای فقیر و در حال توسعه در قرن اخیر بود. به طوری که «امروزه بین ۲۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت در مراکز اصلی جمعیتی جهان را کودکان تشکیل می‌دهند.» (Boyden. J. 2000.

P3) که این امر برنامه‌ریزی جهت برآورده ساختن نیازها و رفع مشکلات این قشر عظیم از جمعیت را ضروری ساخته و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی را متوجه اهمیت پرداختن به مسائل و نیازمندی‌های کودکان و نوجوانان نموده است.

از طرف دیگر ابعاد و پیامدهای منفی تحولات جهانی از قبیل پیامدهای ناگوار جنگ‌های جهانی، نابرابری‌های اجتماعی فزاینده، فقر، آشوب‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی، مهاجرت‌های بین‌المللی و دیگر تحولات اقتصادی و سیاسی، در مقیاس جهانی به گسترش غفلت و خشونت نسبت به کودکان، آزار و اذیت و بهره‌کشی از آن‌ها در اشکال مختلف دامن زد و خلاء ساز و کارهای قانونی و اجتماعی برای حمایت از کودکان و نوجوانان را بیش از پیش برای جهانیان نمایان ساخت. در پاسخ به چنین وضعیت نگران‌کننده‌ای، ابتکارات و اقدامات بین‌المللی متعددی در راستای حمایت از کودکان و نوجوانان شکل گرفت که یکی از ثمرات آن تأسیس صندوق کودکان ملل متحد «یونیسف» در سال ۱۹۴۶ و تصویب کنوانسیون جهانی حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ و تأکید بر مسئولیت دولت‌ها و جوامع در حمایت از کودکان و فراهم کردن زمینه‌های رشد و شکوفایی آن‌ها و جلوگیری از آسیب‌پذیری‌شان در مقابل شرایط و مناسبات آزار دهنده، تبعیض‌آمیز و آسیب‌زا در عرصه خصوصی (روابط خانوادگی) و عرصه عمومی (نهادهای اجتماعی) بود. این اقدامات نقطه عطفی در تاریخ تحولات باورها و دیدگاه‌های جوامع درباره جایگاه، حقوق کودکان و تکالیف و مسئولیت‌های بزرگسالان و نهادهای اجتماعی در قبال آن‌ها ایجاد نمود.

اگر چه حقوق کودک در برخی حوزه‌های فرهنگی و خرده فرهنگ‌ها همچنان با چالش‌های جدی مواجه است اما متأثر از این تحولات، در دیدگاه‌های اخیر، کودکان نه بعنوان مینیاتور بزرگسالان، بلکه بعنوان گروه خاص، با ویژگی‌ها، هویت و حقوقی مستقل از خانواده و سایر هویت‌های جمعی‌شان مطرح بوده و بر مسئولیت‌های قانونی و اخلاقی بزرگسالان و نهادهای اجتماعی در قبال کودکان تأکید جدی شده است. در نتیجه چنین تحولی، رشته‌های علمی مختلف به ویژه علوم اجتماعی به کودکان و نوجوانان، مسائل و نیازمندی‌های خاص آن‌ها، توجه و تمرکز بیشتری نموده و آثار و مطالعات گسترده و متنوعی درباره کودکان

بوجود آمد. از جمله شاخه جدیدی تحت عنوان «جامعه‌شناسی دوران کودکی» و مطالعات بین‌رشته‌ای در این زمینه بوجود آمده و گسترش یافت.

در این میان رشته مددکاری اجتماعی نیز رویکردهای ویژه‌ای در قبال مسائل و نیازمندی‌های خاص کودکان درپیش گرفت. مسائل و آسیب‌های جدی کودکان از قبیل کودک‌آزاری، سوءرفتار و خشونت علیه کودکان، کار کودکان، بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان و ... و الگوهای بهینه مراقبت و حمایت از کودکان در نهادهای اجتماعی با ملاحظات جدیدی در پرتو حقوق کودک و دگرگونی‌های اجتماعی، مورد توجه خاص مددکاران اجتماعی و سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفت و آثار علمی فراوانی در این زمینه خلق شد.

عامل بسیار مهم دیگری که ضرورت توجه ویژه مددکاری اجتماعی به کودکان و نوجوانان را بوجود آورد پیچیدگی فزاینده مناسبات اجتماعی به ویژه دگرگونی‌های اساسی در ساختار و کارکردهای سنتی خانواده و کاهش قابل ملاحظه‌ی توانمندی‌ها و اثرات خانواده و سایر نهادهای تربیتی و حمایتی سنتی در مراقبت و حمایت از کودکان و برآورده کردن نیازها و شکوفایی استعدادهای آن‌ها در جوامع معاصر است. در این زمینه امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی معتقد است خانواده بعنوان مهم‌ترین نهاد سنتی حامی رشد و فرهیخته ساختن کودکان و آماده کردن آن‌ها برای ورود به جامعه و دوران بزرگسالی، در دوره معاصر، روندی انقباضی را طی می‌کند و تأثیرات و توانمندی‌های آن در حمایت و اجتماعی کردن افراد کاهش می‌یابد. تغییرات ساختار و کارکردهای خانواده معاصر، مؤید این نظریه است.

توأم با این تغییرات بوجود آمده در ساختار و روابط کارکردی خانواده، تغییرات اجتماعی شتابانی در مناسبات اجتماعی و نهادی بیرون از خانواده به وقوع پیوسته است که پیچیدگی‌ها، تضادها و تنش‌های ناشی از آن‌ها بویژه در کلان‌شهرها و جوامع شهری، کودکان و نوجوانان را که در سلسله مراتب قدرت و منزلت در خانواده و جامعه در موقعیت ضعیفی قرار دارند و در طی مراحل رشد به بزرگسالان وابسته بوده و مهارت‌های لازم برای مواجهه با این پیچیدگی‌ها را ندارند. در معرض آسیب‌هایی قرار داده است.

در چنین وضعیتی دانش و اقدامات مددکاری اجتماعی چه بر اساس «سیاست و رهیافت ترمیمی» و بعنوان اقداماتی ترمیمی در جهت کمک به خانواده و سایر نهادهای موجود در انجام مسئولیت‌ها و کارکردهایشان در قبال کودکان و نوجوانان و چه بر اساس «نظریه و رهیافت نهادی» و بعنوان نهادی مستقل و جایگزین در ارائه خدمات به کودکان و نوجوانان، نقش بسیار جدی در حمایت کودکان و نوجوانان بویژه کودکان و نوجوانان در وضعیت دشوار و آسیب‌پذیر پیدا کرده است.

در ایران نیز در سال‌های اخیر تحولات زیادی در ساختار و کارکردهای خانواده و روابط آن با کودکان و نوجوانان و سایر نهادهای اجتماعی و حمایتی رخ داده است و در خلاء و فقدان سیاست‌های حمایتی و مراقبتی خاص کودکان به طور خاص و فقدان سیاست‌های اجتماعی منسجم به طور عام و ملازم با آن افزایش آسیب‌ها و مسائل اجتماعی خانواده و کودکان و پیدایش و گسترش کودکان کار و کودکان خیابان بویژه در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ، نهادها و تشکل‌های مردمی مختلفی به فعالیت در زمینه ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی به کودکان مذکور روی آورده‌اند که این امر مسائل و فرصت‌های متعددی پیش‌روی دانش مددکاری و سازمان‌های ارائه دهنده خدمات مددکاری اجتماعی قرار داده است. موضوع این تحقیق بررسی خدمات مددکاری اجتماعی در این سازمان‌هاست.

2-1- طرح مسئله :

مداخله تشکل‌های مردم‌نهاد در فقر و آسیب‌های اجتماعی ریشه در رفتارهای حمایتی، دیگرخواهانه و بشردوستانه دارد این نوع رفتارهای جمعی - که از جمله زمینه‌های اولیه شکل‌گیری و گسترش اقدامات مددکاری غیرحرفه‌ای و داوطلبانه هستند - چه در جهان و چه در ایران به دلیل فرهنگ و باورهای مذهبی و ارزش‌های اخلاقی و دیرینگی فرهنگ یاری‌گری، قدمت تاریخی طولانی دارند.

اساساً در جهان معاصر ریشه‌های اولیه شکل‌گیری مددکاری اجتماعی به سازمان‌های خیریه و بشر دوستانه‌ای که منبعث از نهادهای دینی جوامع بوده‌اند برمی‌گردد:

« از آنجا که رفتارهای نوع‌دوستانه، مناسبات تعاونی اصیل را در جامعه گسترش می‌دهند از این‌رو شرایط عینی را برای افزایش مودت اجتماعی و کاهش محرومیت اجتماعی فراهم می‌نمایند. گفته می‌شود که هراندازه روابط همیاری و امداد رسانی داوطلبانه در زمینه‌های مادی (کمک‌های اقتصادی)، عاطفی (همدردی)، معرفتی (راهنمایی و مشاوره و آموزه‌های اخلاقی و مذهبی)، منزلتی (اعاده عزت نفس انسانی) بالا باشد به همان اندازه نابرابری‌های اجتماعی و عزلت‌گزینی و سایر اختلالات اجتماعی کاهش می‌یابد.» (چلپی ، ۱۳۷۵ : ۱۷۴)

امروزه نیز به دلیل ضرورت‌ها و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی که این فعالیت‌های یاری‌گری دارند، به موازات خدمات اجتماعی و مددکاری حرفه‌ای در جوامع امروزی نیز رایج بوده و نظام‌های رفاه اجتماعی و الگوهای سیاست اجتماعی در جوامع مختلف همچنان بر این منابع حمایتی تأکید کرده و به تقویت و گسترش آن‌ها می‌پردازند.

تحولی که در این زمینه به وقوع پیوسته این است که در سال‌های دهه ۱۹۷۰ پس از تضعیف و زوال تدریجی دولت‌های رفاه و چرخشی اساسی در الگوهای سیاست اجتماعی - که بر مشارکت بیشتر بخش‌های غیردولتی در پیشبرد برنامه‌های رفاه اجتماعی تأکید دارد - نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در سیاست‌های اجتماعی و ارائه خدمات اجتماعی به نیازمندان برجسته‌تر شده است به همین دلیل در این دوره، سازمان‌های

مردم‌نهاد به سرعت گسترش یافتند چنانکه «در سه دهه اخیر گسترش سازمان‌های غیر دولتی از شتاب کم‌نظیری برخوردار گردیده است؛ برای مثال در پاریس بیش از ۱۱۰۰، در بروکسل حدود ۱۰۰۰، در لندن ۹۰۰، در نیویورک حدود ۷۰۰، در رم حدود ۵۰۰، در ژنو حدود ۴۰۰، در کپنهاگ حدود ۲۰۰ سازمان بین‌المللی (صرف نظر از سازمان‌های غیردولتی داخلی) فعالیت می‌کنند که اکثر آن‌ها غیردولتی هستند» (وزارت کشور ۱۳۷۸ : ۱۷۷)

اگر چه تعداد و گستره فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران نسبت به بسیاری از کشورها محدود است اما مطالعات انجام گرفته در این زمینه نشان می‌دهد در ایران طبق نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی (NGO) که به وسیله دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی مرکز آمار و اسناد ایران در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است - تا سال ۱۳۸۱ تعداد سازمان‌های غیردولتی ۶۱۹۴ مورد و تعداد شعبه‌های مربوط به آن‌ها ۱۰۳۹ مورد بوده است که از تعداد مذکور ۷۳۳۹ سازمان یعنی ۹۲ درصد فعالیت مستمر و ۶۱۴ سازمان دیگر یعنی ۸ درصد آن‌ها فعالیت غیر مستمر داشته‌اند. (عبداللهی ۱۳۸۵ : ۲۷۷)

تعداد سازمان‌های غیردولتی که در زمینه کودکان و نوجوانان به فعالیت می‌پردازند «بیش از ۷۵ مورد» بوده است. (نمازی، ۱۳۸۰ : ۱۴۳)

در مقیاس بین‌المللی، تعداد سازمان‌های غیردولتی که به ارائه خدمات حمایتی به کودکان و نوجوانان می‌پردازند با توجه به گسترش روز افزون مسائل و نیازمندی‌های کودکان بویژه در کشورهای فقیر، بحران‌زده و در حال توسعه، روبه‌گسترش بوده‌است از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین این سازمان‌ها که به حمایت از کودکان در وضعیت دشوار می‌پردازند می‌توان به یونیسف، Childhope، Save the children و آژانس بین‌المللی کودکان خیابانی (Ski) اشاره کرد.

در واقع با گسترش روز افزون کودکان کار و خیابان در جهان بویژه در کشورهای در حال توسعه و ناتوانی دولت‌ها در حمایت از این کودکان و ارائه خدمات به آن‌ها، بخش‌های غیردولتی و سازمان‌های مردمی و داوطلبانه به حمایت از این کودکان برخاسته‌اند.

بر طبق آمارهای موجود و مطالعات سازمان‌های بین‌المللی مانند یونیسف و ... در جهان بیش از ۱۵۰ میلیون کودک در خیابان‌ها به کار و زندگی مشغول هستند که بخش عمده این کودکان در کشورهای در حال توسعه، آمریکای لاتین، جنوب آسیا و کشورهای آفریقایی زندگی می‌کنند. این گروه از کودکان در وضعیت دشوار از جمله محروم‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه هستند که بعنوان گروه هدف خدمات اجتماعی مورد توجه سازمان‌های خیریه، بشردوستانه و سازمان‌های مردم‌نهاد هستند.

شرایط خاص زندگی این کودکان و ناکارآمدی سیاست‌های مرسوم در نگهداری و حمایت از آن‌ها در مؤسسات خاص وابسته به بخش‌های دولتی، ضرورت مداخله سازمان‌های مردمی و غیردولتی با رویکردهای اجتماع‌محور را در بیشتر کشورهایی که با این پدیده دست به گریبان هستند بوجود آورده است. هم‌اکنون بخش عمده‌ای از خدمات یاری‌رسانی و حمایت از این کودکان را سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه انجام می‌دهند که با توجه به اهمیت عملکرد این سازمان‌ها و مشارکت آن‌ها در حمایت از این کودکان، ضرورت ارزیابی نتایج و پیامدهای مداخلات این سازمان‌ها در پدیده کودکان کار و خیابان برجسته شده‌است. اساساً امروزه ارزیابی یکی از خط‌مشی‌های نظری سازمان‌های مردم‌نهاد محسوب می‌شود.

«در فرآیند شکل‌گیری خط‌مشی نظری سازمان‌های غیردولتی شاهد گرایش‌های جدید در جلب حقوق اقتصادی بخش خصوصی و کاهش اقتدار و دخالت دولت در اجرای فعالیت‌های اجتماعی و یا در کل تقویت مدیریت منطقی در این سازمان‌ها هستیم در مرحله بعدی، بحث جدی یادگیری، آموزش و آگاهی با محوریت توسعه مردم‌محور مطرح است که امروزه شاهد ترکیب این مباحث با یکدیگر در فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی می‌باشیم. جهت دستیابی به این اهداف، سازمان‌های غیردولتی به سه عنصر برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت منطقی و ارزیابی تأکید دارند.» (عبدالهی، ۱۳۸۵: ۲۸۲)

در واقع با توجه به منابع محدود سازمان‌های مردم‌نهاد و اهمیت اثرات و بازخورد عملکرد این سازمان‌ها در جامعه-که بر سرمایه اجتماعی این سازمان‌ها بسیار مؤثر است- مسئله «مسئولیت‌پذیری» یا «جوابگویی»

accountability در این سازمان‌ها بسیار مهم بوده و ضرورت ارزیابی را در جهت‌گیری‌های این سازمان‌ها برجسته‌نموده‌است.

دریک تعریف عام «ارزیابی، بررسی سیستماتیک طراحی‌شده برای سنجش و ارائه اطلاعات به تصمیم‌گیرندگان و دیگر افراد علاقه‌مند به یک برنامه، خط‌مشی و اقدام مشخص است. (Freeman: 2000. P: 47) دو مسئله محوری در ارزیابی، کارآمدی (efficiency) و اثربخشی (effectiveness) است بر این اساس «ارزیابی، فرآیند تعیین ارتباط منطقی اهداف، کارآمدی برنامه‌ها و اقدامات اجرایی و اثربخشی کاربرد منابع و میزان پایداری نتایج یک اقدام و مداخله است.» (RAR .WHO. 2001. P: 18) محققان، انواع مختلف از ارزیابی را مطرح کرده‌اند، از جمله «ارزیابی فرآیندی/ارزیابی پیامدی، ارزیابی تکوینی/ارزیابی تراکمی یا نهایی، ارزیابی درونی/ارزیابی بیرونی.» (RAR. WHO. 2001. P: 19) «بر اساس اثرات بدست آمده دور دست»، ارزیابی بر اساس «بزرگترین فایده» (Patricia Hafford. 2002. P: 23) ارزیابی اجرا، ارزیابی تأثیر و ارزیابی اقتصادی. (RAR . WHO. 2001. P: 21)

در مجموع می‌توان گفت: ارزیابی نوعی از مطالعات کاربردی است که با بکار بستن سیستماتیک روش‌های مختلف پژوهشی، اطلاعات سودمندی درباره درست و منطقی بودن اهداف، طرح‌ها و برنامه‌ها، کارآمدی عملیات اجرایی و مداخلات، اثربخشی کاربرد منابع و پایداری نتایج یک برنامه، خط‌مشی و مداخله مشخص را برای عاملین و اجراکنندگان، مراجعین و ذی‌نفعان، گروه هدف و اجتماع بزرگ‌تر فراهم می‌سازد. در فرآیند ارزیابی مجموعه‌ای از سؤالات درباره یک برنامه، مداخله و اقدام مشخص پاسخ داده می‌شود از جمله:

۱- آیا مداخلات و عملیات اجرایی به طور دقیق و منطقی طراحی و هدف‌گذاری شده‌اند؟

۲- آیا کارها به همان شیوه‌ای که طراحی شده‌اند انجام می‌شوند؟

۳- آیا مجموع کارهایی که انجام می‌شود اثربخش است؟

۴- هزینه کارهایی که انجام می‌شود چیست؟

۵- چه مسائل پیش‌بینی نشده و غیر قابل انتظاری وجود دارد؟

فرآیند ارزیابی برای پاسخ‌گویی به این سؤالات با ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی بر ابعاد خاصی از یک برنامه، پروژه یا مداخله متمرکز می‌شود از قبیل: طراحی منطقی اهداف و فرآیندهای برنامه و مداخله، سطح پوشش مداخله، شیوه‌های اجرای مداخله و عملیات اجرایی، هزینه‌ها و خروجی‌های مداخله و میزان پایداری آن‌ها.» (Patricia Hafford , P : 43)

فعالیت‌های داوطلبانه جمعی و سازمان‌یافته در زمینه مداخله در آسیب‌های اجتماعی و فقر، در ایران بیشتر بوسیله نهادهای خیریه صورت گرفته است و سازمان‌های غیردولتی یا تشکل‌های مردم‌نهاد به مفهوم علمی و جهانی آن تجربه اندکی دارند و مطالعه فعالیت‌های مذکور نیز «بیشتر از جهت نقش و تأثیر این نوع فعالیت‌ها در گسترش مشارکت و بازتولید و ارتقاء سرمایه اجتماعی» صورت گرفته است.

(تاجبخش و دیگران ، ۱۳۸۳ : ۱۵۵)

فعالیت‌ها و عملکردهای این سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) از ابعاد مختلفی قابل بررسی است این سازمان‌ها با توجه به ویژگی‌هایی که عمدتاً برای آن‌ها ذکر می‌شود از قبیل «غیرانتفاعی بودن، نداشتن وابستگی به دولت، غیرسیاسی بودن، برخورداری از شخصیت حقوقی، مدیریت دموکراتیک و مشارکتی، خودگرانی و معافیت مالیاتی» (بیری، رضا، ۱۳۸۴ : ۳۲) متفاوت از دیگر سازمان‌های خدمات اجتماعی بوده و اشکال جدیدی از مشارکت عمومی و مردمی را در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و مداخله در فقر و آسیب‌های اجتماعی به وجود آورده‌اند ویژگی‌های مذکور باعث می‌شود این سازمان‌ها از یک طرف با ارتباط و درگیری نزدیک با مسائل و آسیب‌های اجتماعی و اجتماعات محلی و آسیب‌دیدگان اجتماعی و برخورداری نسبی از اعتماد عمومی و از طرف دیگر به دلیل برخورداری از شبکه‌های ارتباطی گسترده، نظام ارزش‌ها و هنجارهای خاص و برخورداری از سرمایه اجتماعی و جذب منابع مالی و انسانی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها، منبع بالقوه مهمی برای سازماندهی و اجرای اقدامات و خدمات اجتماعی «جامعه‌محور» یا «اجتماع‌محور» محسوب شوند که لازم است در طراحی سیاست‌های اجتماعی و برنامه‌های رفاه اجتماعی مورد توجه قرار گیرند.

بررسی عملکرد این سازمان‌های اجتماعی به لحاظ موضوعی به مباحث مربوط به «تحقیقات رفاه اجتماعی» و همچنین «مدیریت خدمات اجتماعی» مرتبط است و مددکاران اجتماعی چه بعنوان پژوهشگر در قلمرو رفاه اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی و چه به عنوان کارشناسانی که به «مدیریت اجتماعی» و «مدیریت سازمان‌های خدمات اجتماعی» علاقه‌مند هستند به مطالعه و ارزیابی اقدامات و خدمات حمایتی و اجتماعی که به وسیله این سازمان‌ها ارائه می‌گردد می‌پردازند اساساً ارزیابی خدمات مددکاری اجتماعی، یکی از مبانی و مهارت‌های حرفه مددکاری اجتماعی و یکی از منابع ارتقاء و بهبود دانش مددکاری اجتماعی محسوب می‌شود. «از مددکاران اجتماعی همانند سایر متخصصان خدمات انسانی خواسته می‌شود که «کارایی» و «اثربخشی» خدمات یا برنامه‌های مداخله‌شان را مورد بررسی قرار دهند.» (پلی‌کپی دانشگاه علوم بهزیستی، بی‌تا، بی‌نا: ۱۴)

«اثربخشی به پاسخ به این سؤال اشاره دارد که آیا خدمات یا برنامه‌های مداخله به اهداف مورد نظر دست یافته‌اند؟» کارایی نیز به هزینه‌های خدمات و برنامه‌های مداخله اشاره دارد.» (همان: ۱۶)

قلمرو ارزیابی در حرفه مددکاری اجتماعی در بردارنده انواعی از فعالیت‌های ارزیابی است، شامل:

الف) کمک‌گرفتن از مددجویان در ارزشیابی کارایی و اثربخشی برنامه‌های مداخله خاصی که طراحی شده‌است.

ب) کار مشترک با همکاران برای ارزشیابی برنامه‌ها و خدماتی که یک مرکز خدماتی ارائه می‌دهد.

ج) به‌کارگیری دانش حاصل از ارزشیابی برنامه‌ها برای کمک به مددکار اجتماعی و مددجویان در انتخاب رویکردهای مداخله که احتمالاً برای دستیابی به توافق در مورد اهداف.

د) آگاه و حساس بودن به احتمال وقوع عواقب ناخواسته و برداشتن گام‌های منطقی برای ایمنی در برابر تأثیرات زیانبار مداخله.» (همان: ۱۶)

درباره ماهیت فرآیند ارزیابی در رشته مددکاری اجتماعی «برخی مددکاران و مکاتب مددکاری بین ارزشیابی برنامه (که در آن تلاش‌ها معطوف به اندازه‌گیری اثربخشی یا کارایی برنامه‌هایی نظیر مشاوره

خانوادگی، مدیریت موردی، مراقبت از خانواده و ...) و ارزشیابی‌هایی که به وسیله مددکاران اجتماعی و مددجویانشان در مورد کارایی و اثر بخشی برنامه مداخله ویژه در رابطه با مسأله مددجوی خاص و مجموعه‌ای از اهداف عینی انجام می‌گیرد تمایز آشکار قائل می‌شوند.

با این حال به نظر می‌رسد بین ارزشیابی برنامه و ارزشیابی مددکار- کارگزار تمایز آشکار وجود ندارد و هر دو نوع ارزشیابی در دو سطح انجام می‌شوند. در سطح برنامه، از مددکاران اجتماعی خواسته می‌شود که ماهیت و تأثیر برنامه‌هایی نظیر حمایت کودک، مشاوره خانوادگی، توسعه اجتماعی و غیره را اندازه‌گیری می‌کنند؛ این کار ممکن است به عنوان تحقیق ارزشیابی برنامه مورد اشاره قرار گیرد. اما تحقیق ارزشیابی همچنین در سطح روابط مددکار و مددجو نیز اتفاق می‌افتد درست همانطور که می‌توانیم درباره ماهیت برنامه‌های خدمات انسانی و پیامدهای آن سؤال کنیم، می‌توانیم پرسیم که مداخله‌ای که توسط مددکاران اجتماعی و مددجویان به کار می‌رود از چه ماهیتی برخوردار است؟ پیامدهای مورد نظر کدامند و چه چیز باعث می‌شود باور کنیم که عملیات مداخله به نتایج مورد نظر منتهی شده‌اند.» (همان، ۱۶)

لذا می‌توان گفت فرآیند ارزیابی در مددکاری و خدمات اجتماعی در دو سطح کلان و خرد انجام می‌شود. در سطح کلان، برنامه‌ها، فرآیندهای طراحی، هدف‌گذاری و ارتباط منطقی فرآیندهای اجرایی آن‌ها به لحاظ دستیابی به نتایج موردنظر، ارزیابی می‌شوند و در سطح خرد، ماهیت و اثربخشی و کارایی مداخلات موجود در روابط مددکار- مددجو به‌منظور بررسی تغییرات موردنظر در وضعیت و رفتار مددجویان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تجربه فعالیت و مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد به مفهوم خاص آن در فقر و آسیب‌های اجتماعی در ایران بویژه در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی جدید از جمله کودکان کار و خیابان، تجربه‌ای جدید است. ارائه خدمات مددکاری و خدمات اجتماعی توسط این سازمان‌ها به کودکان مذکور با توجه به اینکه این سازمان‌ها در آغاز راه هستند و پیچیدگی موضوع مداخله در خانواده‌ها و ابهامات حقوقی و قانونی در رابطه با کودکان و حقوق آن‌ها و سایر مسائل مربوطه، برای دانش مددکاری اجتماعی حائز اهمیت است.